مجله مطالعات حقوق

شماره ۴۸،
دوره ۸،
سال ششم،
بهار ۱۴۰۲،
صص ۱-۲۰

ساماندهی چهارچوب نظری-کاربردی برای مفهوم «سوء استفاده از حق» در نظام حقوقی ایران

امین ابراهیم زاده[۱]، ابوالقاسم خدادی*[۲]

چکیده

مسأله استفاده ناشایست از حقوق یا به اصطلاح سوء استفاده کردن از حق در گذشته و در جوامع بسیط و ساده به دلیل اینکه تزاحم حقوق و روابط اجتماعی کمتر بوده است بیشتر در یک مسأله یعنی در روابط بین مالک و همسایگان مطرح بوده است اما امروزه در هر حوزه ای اعم از حوزه حقوق تجارت، حوزه قراردادها، حوزه خانواده، حوزه آیین دادرسی مدنی و... امکان سوء استفاده از حق وجود دارد در حالیکه در نظام حقوقی امروزه ایران از یک سو این مفهوم محدود به اصل کلی ٤٠ قانون اساسی و منحصر در روابط مالک و مجاور درماده ۱۳۲ قانون مدنی است و از سوی دیگر در ادبیات حقوقی و آراء قضایی، برداشت های پراکنده و موردی از این مفهوم می‌شود. لذا نیاز است به این موضوع فراتر از یک مفهوم محدود و موردی و بر اساس استباط های شخصی از اصل و ماده قانونی فوق¬الذکر نگریسته شود. به همین دلیل این نوشتار به دنبال ساماندهی چهارچوب نظری و کاربردی برای مفهوم سوء استفاده از حق است. مهم¬ترین یافته این پژوهش همانا مطرح نمودن این مفهوم به عنوان یک نظریه علمی است چنانچه با ارائه تعریف دقیقی از نظریه سوء استفاده از حق، بیان برخی از اهداف و ویژگی های این نظریه، طرح معیارهایی برای آن، تفکیک آن از نهادهای مشابه و بررسی برخی از مصادیق در نهایت چهارچوب نظری – کاربردی از نظریه سوءاستفاده از حق ارائه نموده است تا پژوهشگران حقوقی و کاربران قضایی بتوانند با درنظر گرفتن معیارهای این نوشتار در حوزه های مختلف حقوقی و پرونده های قضایی، سره را از ناسره تشخیص و تمیز دهند. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی بوده و مبتنی بر گردآوری اطلاعات از طریق ابزار نکته نویسی از کتب، مقالات و... بوده و با روش تحلیل منطقی-عقلایی، داده های پژوهشی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

کلمات کلیدی: سوء استفاده از حق، قاعده لاضرر، تجاوز از حق، تقلب نسبت به قانون، استفاده ناشایست از حق

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه دولتی شاهد، تهران، ایران
۲ * استادیار، دانشگاه دولتی شاهد، تهران، ایران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در عالم حقوق آن‌چنان که باید بدان پرداخته نشده است نظریه سوء استفاده از حق می‌باشد. حق که در تعریفی ساده می‌توان آن را به سلطه و امتیازی که قانون‌گذار به یک شخص اعطا می‌کند تعریف نمود به منزله ابزاری عمل می‌نماید و شخص صاحب حق را در مقام و موقعیتی قرار می‌دهد که از سلطه و امتیازی که دارد به نحوی ناشایست و در راستای اهدافی ناپسند استفاده نماید و این دقیقًا همان مفهومی است که ما از آن تحت عنوان سوء استفاده ار حق یاد می‌کنیم.

مفهوم سوء استفاده از حق در حقوق اسلام کاملًا وضع روشن و مشخصی را داراست البته این حرف به این معنا نیست که یک بحث خاص تحت عنوان سوء استفاده از حق در حقوق اسلام مطرح بوده است زیرا اصطلاح سوء استفاده از حق از حقوق کشورهای غربی به وجود آمده است بلکه آنچه مدنظر ما می‌باشد مفهوم و مراد از نظریه سوء استفاده از حق است چرا که همانطور که می‌دانیم این مفهوم یکی از مصادیق قاعده لاضرر است و به استناد همین قاعده، سوء استفاده از حق همیشه در تاریخ اسلام ممنوع بوده است.[۱]

به نظر می‌رسد صرف نظر از اختلاف‌نظرهای متعددی که فقها در این زمینه یعنی هم خود قاعده ی لاضرر و هم قاعده سوء استفاده از حق دارند که از علل مختلفه ای نشأت می‌گیرد که از صحبت کردن در مورد آن علل جهت جلوگیری از اطاله ی کلام صرف نظر می‌کنیم به طور کلی می‌توان در یک جمله در مورد رابطه بین این دو بیان نمود که مفهوم قاعده لاضرر قطعًا از نظریه ی سوء استفاده از حق عام تر می‌باشد.[۲]

قاعده سوء استفاده از حق محدود به یک باب معین از قبیل حقوق قراردادها یا رابطه املاک مجاور نیست بلکه در همه مباحث حقوقی از حوزه حقوق‌خانواده گرفته تا حوزه قراردادها و حتی مسؤولیت مدنی قابل اعمال است. درواقع در هرجا که إعمال یک حکم قانونی یا قاعده‌حقوقی به انتخاب و اراده ی اشخاص وابسته است امکان انحراف از مبانی و اهداف اولیه وجود دارد.[۳]

مشکل در اینجاست که خود قانون‌گذار گاهی اوقات به نحوی قوانین را تنظیم نموده است که سوء استفاده از آن ها و به دنبال آن سوء استفاده از حق به سادگی ممکن و میسر می‌شود فلذا قانون‌گذار بایستی در هنگام وضع مقررات و قوانین تا آن جا که ممکن است منافذ سوء استفاده از حقوق را ببندد و البته نباید این نکته را فراموش کرد که رویه قضایی نیز با تفسیر های خوب و منصفانه خود می‌تواند امکان سوء استفاده از حق را به حداقل‌ترین حالت خود برساند.[٤]

---

[۱] . حمید بهرامی احمدی، سوء استفاده از حق مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام های حقوقی (تهران، نشر اطلاعات،۱۳۹۵)، ۶۵

[۲] . سیامک ره پیک، «منع سوء استفاده از حق در نظریه های حقوقی و مفاهیم قرآنی»، مجله مطالعات اسلامی، ٦٢ (١٣٨٢)، ٦٣

[۳] .رضا مقصودی، «سوء استفاده از حق در حقوق بین الملل خصوصی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ١٢ (١٣٩٤)، ٢

[٤] .غلامرضا حاجی نوری، «بازگشت اعتدال به نظریه سوء استفاده از حق»، نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، ١١ (١٣٩٤)، ١٤٣

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

هرچه از اهمیت این نظریه سخن گفته شود کم است. در این بخش صرفًا به عنوان نمونه به اهمیت این نظریه در یکی از حوزهای حقوقی اندکی بحث می شود که به نظر می رسد مهم ترین حوزه ای باشد که می توان نظریه سوء استفاده از حق را در آن مطرح نمود که همانا حوزه آیین دادرسی مدنی می باشد.

در اهمیت و ضرورت بحث در مورد این نظریه در حوزه دادرسی مدنی همین بس که می‌دانیم اشخاص جامعه برای این که در خصوص حقوق از دست رفته خود بتوانند دادخواهی و تظلم خواهی نمایند باید به محاکم دادگستری مراجعه نمایند حال اگر در همین محاکم مورد سوء استفاده از حق از جانب طرف مقابل خود قرار گیرند آسیبی دوچندان به آن ها وارد می آید چرا که هدف از دادرسی این است که به تظلم خواهی و دادخواهی اشخاص رسیدگی شود و حکمی عادلانه و منصفانه و البته مطابق با موازین صادر شود حال فرض کنید که شخصی با هدف دادخواهی از حقی که به نظر خود از وی ضایع گردیده است اقدام به طرح دعوی در محاکم می‌نماید اما طرف مقابل او با سوء استفاده نمودن از حقوقی که از قضا قانون گذار به او اعطا نموده است برای مرتبه دوم باعث تضییع حقوق وی می‌گردد یا حتی حالت بالعکس آن را تصور کنید که شخصی با سوء استفاده از حقوقی که دارد اقدام به طرح دعوی می‌نماید اما در مراحل مختلف طرح دعوی و رسیدگی باعث اضرار به طرف مقابل می‌شود.فی الواقع سخن در این است که تمام بحث در دادرسی مدنی احقاق حق و دادخواهی و تظلم خواهی است مع الوصف اگر در همین حوزه شخصی اقدام به استفاده ناشایست از حقوق خود نماید به نظر می‌رسد با شدیدترین نوع سوء استفاده از حق مواجه خواهیم بود.

حق را می‌توان به سلطه و امتیازی که قانون گذار به یک فرد اعطا می‌کند تعریف کرد. حال فرد در مقام اجرای حقوق خود در موقعیتی قرار می‌گیرد که می‌تواند از حق خود استفاده ای ناشایست نماید. به همین دلیل این فکر که باید شرایطی ایجاد شود تا فرد نتواند از حقوق خود سوء استفاده نماید و در واقع به نحو بد از آن استفاده کند تقریبًا در تمام سیستم های حقوقی جوامع متمدن مورد قبول قرار گرفته است البته که در نامگذاری آن اختلافات زیادی وجود دارد به عنوان مثال مارک دسرتو[1] از آن به نظریه تعارض حقوق یاد کرده است چرا که به نظرش راه حل مشکل همیشه این است که بایستی یکی از حقوقی را که با یکدیگر تعارض یا تزاحم دارند بر دیگری اولویت داد شود یا مثلًا مصطفی مربع نام این نظریه را تقصیر پوشیده در لباس حقوق قرارداده است ولی با این حال تقریبًا اکثر حقوقدانان نام این مفهوم را نظریه سوء استفاده از حق گذاشته اند.[2]

در حقوق ایران می‌توان گفت که مبنای اصلی دکترین سوء استفاده از حق اصل چهلم قانون اساسی و البته ماده یکصد و سی و دوم قانون مدنی می‌باشد.اصل چهلم قانون اساسی مقرر می‌دارد که هیچ شخصی امکان این را ندارد که حق خود

[1] .Marc Dessertou

[2] . حمید بهرامی احمدی، پیشین، ۲۰

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

را وسیله ی ضرر رساندن به دیگران و یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. این اصل به گفته دکترین حقوقی به إعمال و تمتع از حق توسط صاحب و مالک آن حق با نیت ضرر رساندن به دیگران و یا تجاوز به منافع عمومی توجه دارد و فی الواقع مانعی می‌باشد برای سوء استفاده نمودن صاحبان حق از حقی که قانون‌گذار به آن ها اعطا نموده است.

در قانون مدنی نظریه سوء استفاده از حق به طور واضح و روشن و صراحتًا به عنوان یک نظریه عمومی مورد پذیرش قرار نگرفته و مطرح نشده است و درواقع در محاکم برای رسیدگی به موضوعاتی که در آن ها می‌توان ردپایی از این نظریه دید به قاعده لاضرر استناد می‌شود که البته این موضوع کاملًا قابلیت نقد دارد چرا که متأسفانه قضات و حتی وکلا در محاکم به راحتی از قاعده فقهی لاضرر استفاده می‌کنند و حتی در تقریر حکم به آن استناد می‌نمایند درحالیکه می‌دانیم در مورد قاعده لاضرر مسائل فراوانی وجود دارد و یک قاضی یا وکیل قبل از این که به همین راحتی به این قاعده مهم استناد نماید ابتدا باید مبنای خود را از میان مبانی مختلفی که در مورد آن وجود دارد انتخاب نماید نه این که خیلی ساده و راحت در هر جایی که ضرر یا قصد اضراری را مشاهده می‌کند به این قاعده استناد کند بدون این که از مسائل آن اطلاع کافی داشته باشد.

۱- : مفهوم سوء استفاده از حق

۱-۱: مفهوم سوء استفاده

سوء را در لغت در معنای بدی و هرآنچه که نفس آدمی از آن متنفر باشد آورده اند.

همچنین این کلمه به معنی حادثه و یا واقعه ای که زشتی و بدی را به همراه خود می‌آورد نیز آمده است و به همین جهت است که این لفظ بر امور و سختی هایی که حال انسان را بد می‌کند نیزاطلاق می‌گردد.

اما در تعریف اصطلاحی سوء استفاده باید بگوییم که به معنای این است که کسی از یک موضوع یا امری به نحو نادرست و ناشایستی استفاده نماید و به بیان دیگر استفاده درستی از آن نکند به عنوان مثال اگر حقی دارد آن حق را به نحو ناشایستی به اجرا در بیاورد و درواقع بدین ترتیب است که وقتی چنین رفتاری انجام می‌شود گفته می‌شود که فرد سوء استفاده کرده است. به عبارت بهتر می‌توان گفت سوءاستفاده به طور کلّی به استفاده نادرست از یک چیز و بر مبنای به دست آوردن سود از عملی نادرست و ناعادلانه گفته می‌شود. سوءاستفاده یک تخلّف است که می‌تواند در اشکال و صور گوناگون مانند بدرفتاری فیزیکی یا آزار زبانی، نژادپرستی، آسیب زنندگی، حمله، اخلال، بزه، تجاوز جنسی، سوءاستفاده جنسی، تعرّض قانونی، آزار دینی، تبعیض جنسیتی، سوءاستفاده دینی، جنایت یا انواع دیگر از پرخاشگری و شیوه های ناعادلانه و البته سوء استفاده حقوقی که موضوع بحث ما می‌باشد نمود یابد و خودش را نشان دهد.

۱-۲: مفهوم حق

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

این کلمه اسم مصدر است و در لغت به معنای ثابت؛آنچه ثابت و مطابق واقع است؛ همچنین به معنای روا و شایسته و همچنین ضدباطل نیز آمده است.

اما در اصطلاح در مورد حق باید عرض کنیم که حق امتیاز، نفع و منفعتی می‌باشد متعلّق به شخص که قانون و نظام حقوقی هر کشوری در مقام اجرای عدالت از آن حمایت و البته پشتیبانی می‌نماید و با این کار به آن شخص توان و قدرت تصرف در موضوع حق و منع نمودن دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد.به عبارت دیگر درواقع حق در این معنی دوجنبه دارد و اصطلاحًا ذو جنبتین است چرا که اولًا یک جنبه ایجابی و مثبت دارد که باعث می‌گردد هر شخصی بتواند در محدوده ای مشخص توان و قدرت دخل و تصرف در موضوع حق را داشته باشد و ثانیًا جنبه سلبی و منفی دارد یعنی باعث می‌شود که آن شخص دارای حق بتواند دیگران را از دخل و تصرف در موضوع آن حق منع نماید به عنوان مثال می‌دانیم که یکی از حقوق عینیه حق مالکیت است که در مقام بیان ویژگی های آن گفته می‌شود که این حق مطلق است یعنی صاحب حق مالکیت حق انحاء تصرفات ممکنه را دارد و از طرفی انحصاری می‌باشد یعنی می‌تواند دیگران را از دخل و تصرف در حق خویش منع نماید که البته می‌دانیم در ویژگی های حق مالکیت استثناهایی وجود دارد[1] که قاعدتًا در این مقام سخن گفتن از آن ها بی‌مورد است و صرفًا این مطلب به جهت ارتباطی که با بحث داشت و از جهت تقریب به ذهن به عنوان یک مثال مطرح گردید.

۱-۳: تعریف سوء استفاده از حق

حال که معنای سوء استفاده و حق تا حدی تبیین گردید می توانیم به سادگی تعریفی را از سوء استفاده از حق ارائه کنیم.هنگامی که یک شخص خواه حقیقی یا حقوقی از حقوق و امتیازاتی که قانون‌گذار به او اعطا نموده است به درستی استفاده نمی‌کند و درواقع یک استفاده ناشایست از آن دارد در چنین حالتی گفته می‌شود که وی از حق خود سوء استفاده نموده است.

محل جریان این مفهوم در جایی است که در هدف اجرای حقوق اخلال ایجاد شود. برخی از دکترین و حقوقدانان مانند جناب سنهوری معتقدند که میان حق مشروع و نامشروع مرزی وجود ندارد لذا سوء استفاده از حق در واقع همان حق نامشروع است و نباید به جز عدم مشروعیت حق چیز دیگری را تصور نمود در حالیکه که می‌توان گفت در این مورد نفس حق مشروع است اما جهت استفاده از آن و چگونگی استعمال آن خارج از اغراض مشروع حقوقی است.[2]

سوء استفاده از حق درواقع کنایه از این می‌باشد که پشت پرده ظاهر کلمات قوانین و مقررات روحی وجود دارد و نهفته است که ظاهر قوانین باید با توجه کامل نسبت به آن مورد بحث و بررسی و تفسیر قرار گیرند. در مورد نامگذاری

[1] . محمدمهدی توکلی، آموزش جامع حقوق مدنی، جلد۱ (تهران، نشر مکتوب آخر،۱۳۹۹)،۱۴۳

[2] .سیامک ره پیک، پیشین، ٦٦

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

این روح قانون سخن بسیار است به عنوان مثال عده ای از حقوقدانان آن را اصول کلی حقوق نامیده‌اند یا عده ای دیگر به آن نام ندای اخلاق را داده اند و البته عده ای نیز معتقدند که این روح درواقع همان اهداف اقتصادی و اجتماعی قانون گذار از اعطای حقوق به اشخاص جامعه می‌باشد. به بیان بهتر می‌توان گفت که اشخاص در اجرای حقوقی که قانون‌گذار به آن ها اعطا نموده است به هیچ عنوان آزادی کامل و تام و تمام ندارند و نمی‌توانند در سایه این مقررات و قوانین اهداف پلید خود را پنهان کنند و در ظاهری زیبا و کاملاً قانونی جلوه دهند.[۱]

بحث سوء استفاده از حق موضوعی به شدت حساس و خطرناک است چرا که صاحبان حق به جهت این امتیاز و حقی که دارا هستند در موقعیتی قرار می‌گیرند که می‌توانند با استفاده از آن وضعیت و موقعیت، آن حق خود را به زیان دیگری به کار گیرند و با این کار خود محدودیت ها و ضررهایی برای اشخاص جامعه به وجود بیاورند و یا حتی امکان دارد که بدون اینکه هیچ گونه قصد سوئی داشته باشند عمل آن ها با مراد مقنن از ایجاد و تأسیس آن حق در تعارض و تنافی باشد چرا که مقصود مقنن از شناخت حق برای اشخاص تأمین عدالت در جامعه می‌باشد و به هیچ عنوان رضایت ندارد که با پدید آمدن این محدودیت ها و ضرر ها عدالت در جامعه دچار خطر شود.[۲]

دامنه ی شمول نظریه ی سوء استفاده از حق را قانونی بودن حق ولی در عین حال اجرای نامتعارف آن که با قصد ضرر رساندن به دیگری باشد تشکیل می‌دهد.به بیان دیگر احراز این که سوء استفاده ای صورت گرفته است یا خیر با ملاک های عرفی و عقلانی قابل تشخیص می‌باشد و اعمالی که مستلزم ورود زیان به دیگران باشد قاعدتًا از نظر عرف و عقلا معتبر نخواهد بود و هیچ شخصی به این دلیل که یک نفر دارای حقی می‌باشد به هیچ عنوان عقلًا و منطقًا اجازه نمی‌دهد که آن حق را به نحو نامتعارف و غیرعقلایی به موقع اجرا گذارد و قطعًا جلوی چنین شخصی را می‌گیرد.

۲- معیارهای نظریه سوء استفاده از حق

۲-۱: معیارهای کلی

در مورد سوء استفاده از حق معیارهای بسیار زیادی هم به طور کلی و هم در حوزه های خاص مانند حقوق قراردادها، حقوق خانواده، حوزه آیین دادرسی مدنی و... مطرح شده است که در این مقاله سعی می گردد به اختصار به بعضی از معیارهای کلی اشاره گردد:

۲-۱-۱: بیان سه نظریه کلی

اولین معیاری که حقوقدانان به آن اشاره نموده اند نظریه ی اضرار عمدی می‌باشد در واقع طبق این دیدگاه سوء استفاده از حق در موقعیتی ایجاد می‌شود که صاحب حق در مطالبه نمودن حقش قصد ایجاد ضرر و زیان برای دیگران داشته باشد

[۱] .امیرناصر کاتوزیان، «سوء استفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲۱ (۱۳۵۸)، ۱۰۵

[۲] . حمید بهرامی احمدی، پیشین، ۲۰

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

که این قصد از اماراتی کشف می‌شود.درواقع مطابق این معیار شخص استفاده نامشروعی از حق خویش نمی نماید اما قصد او از اعممال حق خود صرفًا اضرار به دیگری است که البته بایستی این قصد به اثبات برسد.یکی ااز اماراتی که در این زمینه می تواند به اثبات وجود چنین قصدی کمک نماید قاعدتًا این مورد است که شخص هیچ گونه نفعی از اعمال حق خویش به دست نمی آورد.

دومین معیاری که به آن اشاره گردیده است نظریه ی تجاوز از مبانی اجتماعی حق می‌باشد که طبق آن اجرای یک حق تا زمانی با مشکل مواجه نیست و اصطلاحًا مباح می‌باشد که با مبانی اجتماعی تأسیس آن حق در تنافی نباشد.

درواقع طبق این معیار این مهم نیست که شخص با اعمال حق خویش به دیگری ضرری را وارد سازد یا تقصیری در اجرای حق خود مرتکب شود بلکه آنچه اهمیت دارد این است که عمل شخص با اهداف اقتصادی اجتماعی یک حق منافات نداشته باشد.درواقع وضع بدین منوال است که قانون گذار برای وضع هریک از حقوقی که در قانون برای اشخاص به رسمیت شناخته شده است اهدافی را مدنظر دارد حال اگر شخصی که صاحب حق می باشد از حق خود برخلاف آن اهداف وضع شده استفاده نماید مطابق این معیار دچار سوء استفاده از حق شده است فلذا حتی اگر عمل شخص باعث اضرار به دیگری گردد اما مطابق با اهداف وضع شده توسط قانون گذار باشد او را نمی توان محکوم به سوء استفاده از حق خویش نمود.

و اما سومین معیاری که مطرح شده است نظریه تقصیر در اجرای حق است یعنی فی الواقع برای این که بدانیم شخصی دچار سوء استفاده از حق شده است یا خیر باید رفتارهای وی را با اشخاص متعارف و منطقی ومعقول جامعه در همان حالت مورد بررسی و سنجش دقیق قرار دهیم.[1]می دانیم که تقصیر عبارت از رفتارهای غیرعادی اعم از فعل و ترک فعل می باشد که اشخاص عاقل و البته محتاط مرتکب آن ها نمی شوند.فی الواقع شخصی که حق خویش را به مرحله اجرا می گذارد نباید رفتاری داشته باشد که معمولًا یک فرد غیرعادی و بی احتیاط دارد.ویژگی مهم این نظریه این است که انعطاف پذیری مفهوم تقصیر مانع از این شده است که خط مشی مشخصی در این زمینه به وجود آید.[2]

۲-۱-۲:معیار های عینی و ذهنی

همچنین به نظر می رسد باتوجه قوانین و مقررات مربوطه به این موضوع چه در ایران چه در خارج از ایران می‌توان معیار ها و شاخصه های سوء استفاده از حق را به دو دسته ی عینی و ذهنی تقسیم بندی نمود.

در دسته معیارهای عینی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱)کم اهمیت بودن منفعت برای شخص نسبت به ضرری که به دیگران وارد می‌شود.

---

[1] . امیرناصر کاتوزیان، پیشین، ۱۰۹

[2] . حمید بهرامی احمدی، پیشین، ۱۰۶

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۲)هدف از اعمال آن حق رسیدن و ایصال به منافع نامشروع باشد.

۳)تصرفی که انجام می شود از قدر متعارف خارج باشد.

٤)تصرف صورت گرفته به هیچ عنوان جهت رفع حاجت نبوده باشد یا اگر بوده آن شخص می‌توانسته که از طرق دیگر حاجت خویش را برطرف سازد اما با این حال از همان روش استفاده نموده است.

۵)تصرف صورت گرفته جهت دفع ضرر از خویش نبوده و یا اگر اینطور بوده است آن شخص راه های جایگزین دیگری برای دفع ضرر از خود داشته است اما با این وجود مبادرت به اعمال حق خود به این روش نموده است.

و اما در دسته معیارهای ذهنی نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱)شخص با اعمال حق خویش از حسن نیت تجاوز نموده باشد.

۲)اعمال حق توسط شخص با اهداف اقتصادی، اجتماعی و... ای که قانون‌گذار از ایجاد و اعطای آن حق داشته منافات داشته باشد.

۳)هدف فرد از اعمال حق خویش صرفًا اضرار به دیگری بوده باشد و جز آن هدف دیگری نداشته باشد.

با بررسی قوانین کشورهای مختلف به نظر می‌رسد که نظریه سوء استفاده از حق به عنوان یک مفهوم کلی با ارائه برخی معیارها جهت شناسایی این مفهوم مطرح گردیده است. درحالیکه در قانون ایران به طور صریح به نظریه سوء استفاده از حق به هیچ عنوان اشاره ای نشده است و صرفًا رگه‌هایی از آن وجود دارد.

۳-هدف از نظریه سوء استفاده از حق

یکی از مسائلی که به نظر می‌رسد بایستی مورد بحث و بررسی قرار گیرد سخن از اهداف بیان این نظریه می‌باشد به عبارت دیگر بایستی تبیین گردد که هدف از ایجاد چنین نظریه ای چیست و به چه دلیل باید به آن اهمیت داده شود که سعی می‌کنیم اندکی در مورد آن سخن بگوییم.

۱-۳: جلوگیری از اعمال ناشایست حق

اولین هدفی که از اعمال این قاعده به نظر می‌رسد این می‌باشد که از اعمال یک حق به صورت ناشایست جلوگیری به عمل آید درواقع به عبارت بهتر اگر این نظریه وجود نداشت خیلی از اشخاص می‌توانستند از حق خود سوء استفاده نموده و حق خود را به صورت ناشایستی اعمال کنند بدون این که تجاوزی از حق خود کرده باشند و قاعدتًا امکان جلوگیری از آن ها وجود نداشت. شاطبی در تعریف سوء استفاده از حق از عبارت استعمال مذموم یا کاربرد ناشایست سخن به میان آورده است که دقیقًا ناظر بر عملی است که فی نفسه مشروع و مجاز شمرده می‌شود و ناشایست بودن آن

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

عرضًا و به لحاظ ضرری است که بر اثر اجرای آن به دیگری وارد می‌شود. در چنین مواردی صرفًا نحوه انجام و پیامد های عمل است که آن را ناروا می‌گرداند و البته موجب مسؤولیت می‌شود.[۱]

۲-۳: جلوگیری از اضرار به غیر

هدف دیگری که می‌توان برای این نظریه ذکر کرد این است که از ضرر زدن به دیگران جلوگیری شود یا به عنوان مثال می‌توان گفت هدف این است که از تضییع حق دیگران جلوگیری گردد چرا که همانطور که می‌دانیم این نظریه با قاعده لاضرر رابطه بسیار نزدیکی دارد.اصل منع سوء استفاده از حق در قرآن و سنت مورد تأکید قرار گرفته و فقهای اسلام از مکاتب مختلف فقهیه این اصل را در ضمن بحث از قاعده لاضرر به رسمیت شناخته اند. به نظر می‌رسد صرف نظر از اختلاف نظرهای مختلف در بیان قاعده لاضرر و محل جریان آن، به طور کلی مفهوم قاعده لاضرر عام تر از مفهوم سوء استفاده از حق باشد.[۲]

۳-۳: مطابقت اعمال حق با اهداف مقنن از اعطای آن حق

به عنوان مثال می‌توان گفت هدف از این نظریه این است که هر حقی که توسط قانون‌گذار به اشخاص اعطا گردیده مطابق با همان اهداف اقتصادی اجتماعی مقنن به حالت اجرایی درآید و اعمال شود چرا که می‌دانیم عده ای معتقدند که اصلًا معنای سوء استفاده از حق همین است که شخص از حقوق خود برخلاف اهدافی قانون‌گذار در نظر داشته است استفاده نماید.

٤-۳: قاعده انصاف

اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین هدفی که در نظریه سوء استفاده از حق می‌توان جست بحثی است به نام انصاف.

انصاف در لغت به معنی برابری داشتن و به عدل و داد با مردم رفتار کردن آمده است.[۳]

انصاف در علم حقوق، مجموعه‌ای از قواعد و قوانین متکی بر اصول اخلاقی است که در کنار قوانین اصلی حقوقی قرار می‌گیرند و توان تقیید و تخصیص قواعد حقوقی را دارند؛ به عنوان مثال اگر عدالت حکم کند که شخصی بدهکاری خود را پرداخت کند، انصاف در مورد اشخاصی که در حال اعسار باشند حکم به دادن مهلت یا اقساطی پرداخت کردن بدهکاری می‌دهد.[٤]

می‌توان گفت که مفهوم سوء استفاده از حق همراه و همزاد مفهوم انصاف است که برای تعدیل نمودن حقوق فردی و آزادی اراده ها و تعدیل و البته تلطیف نمودن مفهوم عدالت ایجاد شده است. علت این حرف به نظر می‌رسد این باشد

---

[۱] . همان، ۱۵۱

[۲] .امیرناصر کاتوزیان، مسؤولیت قهری-ضمان قهری (تهران، دهخدا ،۱۳۶۲)، ۲۲۰-۲۰۱

[۳] .سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، (تهران، نشر سپید موی اندیشه، ۱۳۹۳)، ۱۰۹۶.

[٤] . امیرناصرکاتوزیان، فلسفه حقوق، (تهران:نشر گنج دانش، ۱۳۸۵)، ۱۴۵.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

که بر اساس عدالت باید هرچیزی در جای خودش باشد و عدالت این است که به عنوان مثال هرکسی دارای هر حقی است به عنوان صاحب و مالک آن حق از حق خود هرنوع استفاده ای را که می خواهد انجام دهد و این امر کاملًا عادلانه به نظر می‌رسد اما در اینجا انصاف جلوی این کار را می‌گیرد و می‌گوید درست است که مثلًا آقای الف دارای یک حقی می‌باشد که مقنن به او اعطا نموده است و عادلانه می‌باشد که حق انحاء تصرفات ممکنه را در مورد آن داشته باشد اما انصاف نیست که از آن حق خود به نحوی ناشایست استفاده کند و به اصطلاح ما از آن حق اعطایی سوء استفاده نماید. به عبارت دیگر رجوع به انصاف زمانی مورد پیدا می‌نماید و محل جریان آن در جایی می‌باشد که اجرای عدالت منجر به نتایج بد و ناپسند شود و وجدان اخلاقی به اصلاح نمودن آن تمایل پیدا نماید کما این که جناب ارسطو نیز انصاف را عدالتی برتر از عدالت قانونی می‌داند.

آنچه که به عنوان مفهوم انصاف در کنار مفهوم عدالت در نظام حقوقی ایران به کاررفته است، اصل محرز و مسلم فطرت، وجدان، عقل و عرف جامعه اسلامی می باشد و مذهب تشیع نیز بر آن صحه می گذارد. فلذا می توان گفت انصاف در نظام حقوقی و به کارگیری آن در تمامی اجرائیات و الزامات از احکام امضایی دین مبین اسلام می باشد[1].

به طور خاص به عنوان نمونه در حوزه آیین دادرسی مدنی نیز وضع به همین منوال است و چه بسا بسیار بیشتر این هدف در این حوزه مدنظر باشد به عنوان مثال فرض نمایید که هرشخصی حق اقامه دعوی را به موجب قانون اساسی داراست حال در هنگام طرح دعوا خوانده را مجهول المکان معرفی می‌نماید الان به وضوح روشن است که این اقدام وی هیچ گونه منافاتی با عدالت ندارد چرا که او اقدامی خارج از آنچه باید باشد نکرده است اما از حق خود به نحوی ناشایست استفاده نموده که نظریه سوء استفاده از حق با یک مفهوم کلی به نام انصاف جلوی آن را می‌گیرد چرا که انصاف نیست خوانده از اقامه دعوا علیه خود مطلع نشود و نتواند از خود دفاعی انجام دهد و بعداً دچار سختی های واخواهی گردد.

اهداف بسیار زیاد دیگری را می توان مطرح نمود مانند این که هدف از اعمال این نظریه می‌تواند این باشد که اشخاص نتوانند در ظاهر عبارات قوانین و مقررات به اهداف پلید خود برسند یا به عنوان مثال باعث می‌شود که اشخاص نتوانند نسبت به قوانین و مقررات حیله و تقلبی اعمال نمایند.

٤-ویژگی های نظریه سوء استفاده از حق

مطلب دیگری که شاید تاحدی مورد غفلت قرار گرفته است سخن از ویژگی‌های این نظریه می‌باشد که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

[1] .طاهره سادات نعیمی و سید فرج الله موسوی، « انصاف و عدالت در سیستم قانون گذاری ایران و رویکردهای قضایی امام خمینی»، پژوهش نامه متین ۷۷(۱۳۹٦)، ۱۳۰

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

به نظر می رسد به مانند اهداف این نظریه ویژگی‌های زیادی را نیز می‌توان برای این نظریه نام برد و بررسی نمود که به چند مورد از آن ها می‌پردازیم.

۱-٤:بازدارندگی

یکی از ویژگی‌های این نظریه خاصیت بازدارندگی آن است. فی الواقع این نظریه از این که از حقوقی که توسط قانون‌گذار به افراد اعطا شده است استفاده ای ناشایست و برخلاف هدف مقنن از اعطای آن حق شود جلوگیری می‌نماید البته این ویژگی زمانی نمود پیدا می‌نماید که ضمانت اجرایی برای اعمال حق به صورت ناشایست قرار داده شود.

۲-٤:بدیع و تازه بودن

ویژگی دیگر این نظریه نو و تازه بودن آن است چرا که به عنوان یک نظریه ای مستقل عمر بسیار کمی دارد و شاید بتوان گفت که از اواخر قرن نوزدهم میلادی کم کم در نظام های حقوقی دنیا مطرح گردیده است. بایستی دانست که این نظریه به سادگی مورد پذیرش قرار نگرفته است. ملل قدیم تا قرن نوزدهم اصولًا حق را مطلق می‌دانستند و معتقد بودند که هنگامی که شخصی حقی دارد و در محدوده حق خود عمل می‌نماید ولو این که اقدام وی باعث زیان دیگری شود امکان جلوگیری از وی وجود ندارد. مدتی بعد نیز که مطلق نبودن حق مورد پذیرش قرار گرفت و این که امکان سوء استفاده از حق وجود دارد مقبول واقع شد بازهم عده ای از حقوقدان به مخالفت با آن برخاستند[۱] به عنوان مثال یکی از حقوقدانان به نام پلانیول معتقد بود که این نظریه سست و بی پایه بوده و طرح آن غیرلازم است. علت حرف وی این بود که او اعتقاد داشت که حق برای استفاده است و آن جا که سوء استفاده آغاز می شود حق پایان می‌پذیرد؛ درواقع حق و سوء استفاده دو مفهوم متضادند که هیچ وقت با یکدیگر جمع نمی‌شوند به عبارت ساده تر وی تفاوتی میان تجاوز از حق و سوء استفاده از حق قائل نبود و چون موضوع تجاوز از حق از قبل مطرح شده بود دیگر نیازی به طرح نظریه جدیدی به نام سوء استفاده از حق وجود نداشت.[۲]

۳-٤:پویایی و انعطاف پذیری

و اما مهم‌ترین ویژگی که می‌توان در نظریه سوء استفاده از حق دنبال نمود و به آن رسید انعطاف پذیری و پویایی آن است. درواقع نظریه سوء استفاده از حق یک مفهوم کاملًا پویا و انعطاف پذیر است که با پیشرفت مفهوم حق و البته گسترش روابط اجتماعی و ایجاد تزاحم های مختلفی که در اعمال و اجرای حقوق مختلفه پیدا می‌شود ایجاد گردیده است. در جوامع ساده و اولیه و بسیط به دلیل این که تزاحم حقوق و روابط اجتماعی بسیار کم و محدود بوده است نظریه سوء استفاده از حق قاعدتًا بیشتر در بحث مالکیت و به طور کلی حقوق عینیه مطرح گردیده است به همین دلیل است که

---

[۱] . حمید بهرامی احمدی، پیشین، ۲۰

[۲] .محمدعلی موحد، حق و سوء استفاده از آن (تهران، نشر کارنامه، ۱۳۹۷)، ۲۹

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

وقتی به کتب و مقالات مختلفه مراجعه می‌شود بیشترین مثال در زمینه این نظریه در مورد حق مالکیت و روابط مالک و همسایه خویش می‌باشد. اما با گذشت زمان و ایجاد حوزه های مختلف و همچنین افزایش روابط اجتماعی میان مردم و ایجاد حقوق مختلفه که گاهی با یکدیگر در مقام اجرا دچار مشکل که در اصطلاح به آن تزاحم گفته می‌شود می‌شدند این نظریه در همه ی این حوزه ها مطرح گردید. علت این امر این می‌باشد که ما با یک مفهوم کلی به نام حق مواجهیم و کسی که صاحب این حق است می‌تواند به درستی از حق خویش استفاده نماید و یا این که استفاده نادرست و ناشایستی از آن بنماید که در این صورت مصداق سوء استفاده از حق خواهد شد پس عملًا هرجایی که یک شخص وجود داشته باشد و یک حقی توسط قانون‌گذار به او اعطا شده باشد می‌توان منتظر این بود که آن شخص از حق خود سوء استفاده نماید فلذا می‌بینیم که این نظریه در همه ی حقوق قابلیت مطرح شدن را دارد.

۵- تفکیک نظریه سوء استفاده از حق از نهادهای مشابه

یکی از مهم‌ترین مباحثی که باید به آن پرداخته شود این است که بایستی میان سوء استفاده از حق با سایر نهادهای مشابه آن تفکیک نمود.

۱-۵:تفاوت سوء استفاده از حق با تجاوز از حق

به نظر می رسد اولین نهادی که شباهت زیادی به سوء استفاده از حق دارد و گاهی با آن خلط می شود بحث تجاوز از حق باشد.

شباهت واضحی که این دو نهاد با یکدیگر دارند این می‌باشد که هردو با وجود حق ملازمه دارند یعنی قاعدتًا ابتدا باید یک حقی وجود داشته باشد تا سوء استفاده نمودن از آن و یا تجاوز از آن مطرح شود و شباهت دیگر این که به نظر می‌رسد می‌توان با قاطعیت بیان نمود که هردو از همان زمانی که هر حقی ایجاد شده به وجود آمده اند. درواقع به عبارت دیگر باتوجه به این که از همان زمانی که حق ایجا شد عده ای به دنبال تجاوز از آن یا سوء استفاده نمودن از آن بودند متقابلًا فکرهایی نیز برای مقابله با این گونه اعمال ایجاد شد.

برای این که تفاوت میان این دو به روشنی مشخص گردد بهتر است تا هر حقی را محدود به دو حد درونی و بیرونی نمایم.

به حد درونی حق حد معنوی نیز گفته می‌شود و به حد بیرونی آن حد مادی اطلاق می‌گردد.

مراد از حد بیرونی و مادی این است که شخص دارای یک حقی می‌باشد و هنگامی که از محدوده حق خود خارج شود وارد منطقه ممنوعه می‌شود که به این تجاوز از حق گفته می‌شود به عنوان مثال فرض نمایید که شما از شهرداری برای ساخت خانه ای با سه طبقه جواز می‌گیرید اما هنگام ساخت چهار طبقه می‌سازید الان این عمل شما مصداق بارز تجاوز از حق می‌باشد یعنی به عبارت دقیق تر در بحث تجاوز از حق شما در آن قسمت اضافه دیگر دارای هیچ حقی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نیستید و از محدوده حق خود خارجه شده اید درحالیکه در بحث سوء استفاده از حق ما با حد درونی و معنوی حق سر و کار داریم یعنی یک فرد از حقی که توسط شارع یا قانون‌گذار به او اعطا شده است استفاده می‌نماید اما استفاده او ناشایست و مذموم است به عنوان مثال در حوزه آیین دادرسی مدنی فرض کنید که شخص حق دارد تا به رأیی که قاضی صادر نموده است اعتراض نماید اما از این حق خود سوء استفاده نموده و بدون این که دلیل موجهی داشته باشد صرفًا برای ایجاد اطاله دادرسی و به تأخیر انداختن محکومیت قطعی خود اقدام به تجدیدنظرخواهی می‌نماید الان این شخص دقیقًا در محدوده داخلی حق خود حرکت می‌کند و دقیقًا در حال استفاده کردن از حق خویش است که قانونًا و شرعًا به او اعطا شده اما این حق را به نحوی ناشایست و بد و به ضرر دیگران مورد استفاده قرار می‌دهد و کاملًا واضح است که این حالت با حالت قبلی که فرد پای خود را خارج از مرزهای حق قرار می‌داد و اصولًا حقی برای وی متصور نبود متفاوت است.

به عبارت دیگر مادامی که شخص از قلمرو حق خود پا فراتر ننهاده و از مرزهای حق خود نگذشته و از حریم مشخصی که دارد تجاوز ننموده است از نظر قانون مأذون و مجاز در انحاء تصرفاتی می‌باشد که برای انتفاع و استفاده خود نیاز می‌بیند منتهی نکته در این جاست که تصرفات وی نباید به نحوی باشد که باعث نادیده گرفتن حد درونی و معنوی حق باشد و الا با مفهوم سوء استفاده از حق مواجه خواهیم بود.

تفاوت دیگر این دو نهاد در این است که بحث تجاوز از حق خیلی بیشتر از بحث سوء از استفاده از حق واضح تر می‌باشد چرا که هنگامی که یک شخص از مرزهای بیرونی حق خود خارج می‌شود خیلی زود اکثریت مردم متوجه می شوند که آن شخص مرتکب عملی خلاف شده و مطابق با حقوقی که شارع و مقنن به او اعطا نموده اند حرکت نمی کند چرا که هم در باطن و هم در ظاهر عمل این خروج از محدوده به روشنی قابل درک است درواقع هم باطن پلیدی دارد و هم ظاهر ناپاکی اما در بحث سوء استفاده از حق اصلًا وضعیت به این ترتیب نیست. درواقع هنگامی که شخص در حال سوء استفاده از حق خود می‌باشد کمتر کسی ممکن است متوجه این موضوع شود چرا که چنین شخصی نیت پلید خود را پشت ظاهر قانونی و شرعی حق خود پنهان می‌کند و اگر کسی هم او را نسبت به عملش بازخواست نماید حتی شاید با وقاحت پاسخ دهد که در حال استفاده نمودن از حقی می‌باشد که هم شرع و هم قانون به او اعطا نموده اند و با این استدلال به دنبال تطهیر نیت پلید خود است به عنوان مثال مالکی را فرض نمایید که در حال استفاده نمودن از حق مالکیت خود با این استدلال که مطابق قاعده تسلیط، مالک، حق انحاء تصرفات ممکنه در ملک خویش را دارد کاملًا به سوء استفاده نمودن از این حق خود می‌پردازد. برای تقریب به ذهن به نظر می‌رسد یکی از تشبیه هایی که می‌توان در اینجا انجام داد تشبیه سوء استفاده از حق به بحث مغالطه و یا به بیان بهتر سفسطه است که با آگاهی انجام می‌شود چرا که دقیقًا همانطور که در سفسطه نمودن، ظاهر کلام شخص کاملًا عقلانی و منطقی و حتی فریبنده و دلربا به نظر می‌رسد اما باطنی زشت و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کریه دارد همین وضعیت دقیقًا در بحث سوء استفاده از حق وجود دارد. به همین دلیل است که بحث تجاوز از حق با توجه به این که همیشه معیارهای روشن و شناخته شده ای داشته خیلی زودتر توجه حقوقدانان دنیا را به خود جلب نموده است چرا که شما وقتی یک حقی را به رسمیت می‌شناسید قطعًا باید مرزهای بیرونی آن را شناسایی و مشخص نمایید در حالیکه شناسایی و تثبیت مرزهای درونی و معنوی حق به شدت نیازمند دقت فراوان می‌باشد.

البته باید توجه نمود که تشخیص موارد سوء استفاده از حق از موارد تجاوز از حق در همه موارد به این سادگی ها ممکن نیست و گاهی اوقات با پیچیدگی و سختی خاصی همراه است. به عنوان نمونه بیان می‌شود که ماده ۸۰۷ قانون مدنی مصر مقرر می‌نماید که مالک نمی‌تواند در اعمال حق خود زیاده روی نماید به طوری که سبب ضرر رساندن به همسایه گردد و اگر ضرر از حد معمول تجاوز کند همسایه آن شخص این اختیار را دارد تا جلوی وی را بگیرد. دقیقًا در همین ماده میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد به عنوان مثال عده ای معتقدند که این ماده در راستای بیان بحث تجاوز از حق می‌باشد با این استدلال که قانون‌گذار در این مورد حق مالکیت مالک را دچار محدودیت نموده و مقید به عدم زیاده روی در اعمال این حق کرده است فلذا شخصی که در اعمال و اجرای این حق زیاده روی می‌نماید فی الواقع از محدوده و قلمرو مشروع حق خود خارج گشته است در حالیکه بحث سوء استفاده از حق در جایی می‌تواند مطرح شود و مصداق داشته باشد که شخص از قلمرو حق خویش خارج نشده باشد. اما در پاسخ عده ای دیگر بیان نموده اند که به عنوان مثال اگر شخصی در ملک اختصاصی خویش دیواری را بالا ببرد در هرحال عمل وی داخل در قلمرو و محدوده مشروع خود می‌باشد. درواقع زیاده روی در اجرای حق صرفًا به این معنا نیست که حتمًا شخص از قلمرو حق خود خارج شده و مرزهای بیرونی و مادی آن را نقض نموده است بلکه در جایی هم که داخل در محدوده حق خود حرکت می‌کند نیز امکان زیاده روی در اعمال حق وجود دارد. این مثال بیان شد تا مشخص شود که همه ی موارد به سادگی قابلیت تشخیص ندارند و باید گاهی اوقات با دقت زیاد و باریک بینی پی برد که مورد از مصادیق تجاوز از حق است یا سوء استفاده از حق و به نظر می‌رسد این مطلب زمانی می‌تواند بهتر حل گردد که معیارهای دقیق و روشنی در هردو نظریه وجود داشته باشد تا بتوان با تبطیق مصادیق بر آن معیار مشخص نمود که آن موضوع، مصداق کدام یکی از دو نظریه تجاوز از حق و سوء استفاده از حق می‌باشد.

ناگفته نماند که بعضی از حقوقدانان این مطالبی که ما در مورد نظریه سوء استفاده از حق بیان نمودیم را دقیقًا حوزه تجاوز از حق بیان کرده اند و همانطور که در بالا بیان شد ظاهرًا چیزی به نام نظریه سوء استفاده از حق را موجود نمی‌دانند.

۲-۵:تفاوت سوء استفاده از حق با تقلب نسبت به قانون

نهاد دیگری که به نظر می‌رسد حتمًا بایستی در مورد آن و رابطه اش با نظریه سوء استفاده از حق صحبت نمود نظریه تقلب نسبت به قانون است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اولین کاری که بایستی صورت گیرد انجام یک تعریف مناسب از تقلب نسبت به قانون است.

تعاریف زیادی در مورد تقلب نسبت به قانون انجام شده است مثلًا عده ای بیان داشته اند که تقلب نسبت به قانون به معنای عام بیان کننده این مطلب است که شخصی عملی را که فی نفسه و به خودی خود معتبر و قانونی می‌باشد را به قصد فرار از مقررات و قوانین امری انجام می‌دهد.

عده ای دیگر تقلب نسبت به قانون را به کار گرفتن وسایل صحیح و شرعی و قانونی اما برای ایصال به اهداف و نتایج غیرقانونی توصیف و تعریف نموده اند.

شایان ذکر است که مفهوم حیله یا تقلب در قانون در بسیاری از موارد با مفهوم انگیزه نامشروع تداخل پیدا می‌کند و همچنین در موارد دیگر با مفهوم جهت مخالف مقصود مشروع منطبق در می‌آید.[1]

به نظر می‌رسد بحث تقلب نسبت به قانون بیشتر در معنای خاص خود یعنی در حوزه حقوق بین الملل خصوصی مطرح باشد و در این حوزه است که تفاوتش با نهادهای دیگری همچون سوء استفاده از حق مشخص می‌گردد و الا در حوزه حقوق داخلی با توجه به تعاریفی که از تقلب نسبت به قانون ارائه شده است متوجه می‌شویم که خیلی مرز دقیقی بین این نظریه و نظریه سوء استفاده از حق وجود ندارد.

در حوزه بین الملل خصوصی تقلب نسبت به قانون را فرار از قانون صالح داخلی یا خارجی همراه با تغییر دادن ارادی عناصر وابستگی مانند تابعیت و اقامتگاه تعریف نموده اند یا بعضی دیگر تقلب نسبت به قانون را به اقدامات شخص به منظور فرار کردن از تعهدات قانونی و یا از میان بردن موانع قانونی کشور متبوع خود با استفاده نمودن از مزایای قوانین کشوری دیگر تعریف نموده اند. همچنین مطابق نظریه لاپرادل حقوقدان فرانسوی، تقلب نسبت به قانون یعنی ایجاد تغییر در عناصر وابستگی به منظور ایجاد یک عنصر وابستگی غیر واقعی و درواقع خیالی. به نظر پیر مایر یکی دیگر از حقوقدانان فرانسوی، تقلب نسبت به قانون درنتیجه انجام اعمالی در راستای تغییردادن عناصر وابستگی ظاهر می‌گردد و برای این که تقلب نسبت به قانون به معنای دقیق خود محقق شود باید آن تقلب با اراده استقلالی افراد و با عنایت به میل و رضایت آن ها انجام شود آن هم بدون این که این وضعیت بتواند روابط واقعی خود را با کشورهایی که قانون آن ها به طور متقلبانه نادیده گرفته شده است حفظ نماید[2].

[1] . همان، ۱۳۸

[2] .محمد هاشمی راد، «تقلب نسبت به قانون»، کنگره علوم اسلامی، علوم انسانی، ۱ (۱۳۹۵)، ۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

وجود تقلب نسبت به قانون مبتنی بر این موضوع می‌باشد که اشخاص می‌توانند برخی از عناصر ارتباطی را که منجر به تعیین قانون صالح می‌شوند را تغییر داده و درنتیجه آن قانونی که شخص در حالت عادی نمی‌توانسته از آن استفاده بکند در جهت منتفع شدن از آن به نفع خود تقاضای اعمال آن را در مورد خویش داشته باشد[۱].

در مسأله تقلب نسبت به قانون ظاهر عمل با عملی که شرعًا انجام آن غیرمجاز دانسته شده است فرق دارد اما فی الواقع این چنین نیست بلکه شخصی که اقدام به انجام حیله و تقلب می‌نماید درواقع می‌خواهد همان امری را که شرع تحریمش نموده است به نامی دیگر و در لباسی دیگر تحقق بخشد.[۲]به نظر می‌رسد در این بیان مسأله تقلب نسبت به قانون با سوء استفاده از حق به شدت به یکدیگر نزدیک می‌شوند چرا که در موضوع سوء استفاده از حق نیز دقیقًا با چنین وضعیتی مواجهیم که ظاهر عمل مشکلی ندارد اما فی الواقع از یک حق سوء استفاده شده است.

مرز باریک تقلب نسبت به قانون با مسأله سوء استفاده از حق در این امر می‌باشد که تقلب نسبت به قانون مستند به حقی موجود نیست برخلاف سوء استفاده از حق که تمام اقدامات شخص بر پایه و مبنای وجود یک حق است و هنگامی که چنین شخصی را بازخواست نمایید به سادگی به شما خواهد گفت در حال اجرای حقی می‌باشد که خود قانون گذار به وی اعطا نموده و کار خلافی انجام نمی‌دهد کأن اهداف پلید و زشت خود را در سایه این حق پنهان می‌نماید.

۳-۵:تفاوت سوء استفاده از حق با فنون و تکنیک های حقوقی

یکی از مهم ترین موضوعاتی که بایستی از بحث سوء استفاده از حق تفکیک شود فنون و تکنیک هایی می باشد که در حوزه های مختلف حقوقی توسط اشخاص خبره رخ می دهد. به نظر می رسد بیشترین افرادی که از این فنون حقوقی استفاده می کنند وکلای دادگستری باشند که باتوجه به شغلی که دارند تا حد زیادی طبیعی است.

یک شخص خصوصا اگر دارای تخصص حقوقی باشد قاعدتا به دنبال انجام اعمالی است که او را سریع تر به هدف خود برساند و طبیعی است که در این مسیر از فنون و تکنیک های مختلفی ممکن است استفاده نماید که شاید در ظاهر امر عملی که مرتکب می شود نوعی سوء استفاده از حق تلقی شود اما درست این است که او صرفا از راهکارهایی استفاده نموده تا بتواند زودتر به آنچه در نظر دارد برسد.

به عنوان نمونه فرض کنید طرفین یک رابطه نکاح دائم به دنبال طلاق و جدایی از یکدیگر هستند. حال اگر این دو طرف بخواهند به صورت توافقی از یکدیگر جدا شوند بایستی تشریفات زیادی که مهم ترین آن ها جلسات مشاوره می باشد را پشت سر بگذارند و چندماهی را درگیر این مسائل باشند تا بتوانند به هدف خود که جدایی می باشد برسند. حال همین دو نفر اگر از فنون و تکنیک های حقوقی در این زمینه مطلع باشند دچار این مشکلات نخواهند شد به عنوان مثال

---

[۱] .نجادعلی الماسی، حقوق بین الملل خصوصی(تهران، نشر میزان، ۱۳۹۸)، ۱۹۳

[۲] .همان، ۱۳۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بهترین راهکار در چنین مواردی این است که زوجه به تنهایی به دفتر خدمات قضایی مراجعه نماید و تقاضای طلاق دهد و بعد از این که نوبت به جلسه دادگاه رسید همراه با زوج در دادگاه حاضر شود و به قاضی بگوید که زوج مخالف جدایی بود اما بعد از اقدام من برای طلاق رضایت داد که از یکدیگر جدا شویم در این صورت به سادگی بدون این که جلسات مشاوره را بگذرانند در غالب موارد می توانند از یکدیگر جدا شوند یا به عنوان مثال فرض کنید در چنین مواردی زوجین می توانند در دفتر اسنادرسمی حاضر شده و زوج به زوجه وکالت در طلاق دهد و زوجه با این وکالتنامه به دنبال کارهای مربوط به طلاق باشد که بازهم در این صورت در مدت زمان بسیار بسیار کمی می توانند از یکدیگر جدا شوند.

حال بایستی قضاوت کرد در این مثال‌هایی که بیان شد آیا اقدام به سوء استفاده از حق صورت گرفته است یا صرفا از فنون و تکنیک های حقوقی مربوط به حوزه حقوق خانواده استفاده شده است؟ پر واضح و پیداست که در چنین مواردی به هیچ عنوان سوء استفاده از حق صورت نگرفته و این زوجین صرفا از یک تکنیک حقوقی برای زودتر رسیدن به خواسته خود که همانا طلاق و جدایی بوده است استفاده نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

سوء استفاده از حق به حالتی گفته می‌شود که فرد در بدو امر دارای حقی می‌باشد که این حق توسط قانون‌گذار به وی اعطا گردیده است اما از آن حق به شیوه ای نادرست و البته ناپسند استفاده می‌شود. درواقع به عبارت دیگر از نظر ما دو نکته بسیار مهم در مورد نظریه سوء استفاده از حق وجود دارد؛ اول این که حتماً بایستی یک حقی وجود داشته باشد تا از آن حق به شیوه ای که مخالف با نظر و هدف قانون گذار است استفاده گردد و اگر حقی وجود نداشته باشد قاعدتًا سوء استفاده از آن نیز معنا ندارد. بایستی دقت گردد که گاهی اوقات فرد مطابق قانون دارای یک تکلیف است و حال در اجرای آن تکلیف خود اعمالی را انجام می دهد در چنین حالتی نمی توان با نظریه سوء استفاده از حق به مقابله با وی برخاست چرا که همانطور که اشاره گردید اولین مسأله در بحث سوء استفاده از حق وجود یک حق است نه یک تکلیف. دوم این که بایستی میان سوء استفاده از حق و نهادهای مشابه آن تفکیکی درست به عمل آید. یکی از مهم ترین مسائلی که می‌توان برای طرح این بحث مطرح نمود تفکیک سوء استفاده از حق از فنون و تکنیک هایی می باشد که توسط طرفین دعوا و علی الخصوص وکلای طرفین مورد استفاده قرار می‌گیرد که به شدت مرز باریکی با مساله سوء استفاده از حق دارد و اگر این مرز به درستی تبیین نگردد موجب اشتباهات فراوانی خواهد شد. فلذا مهم ترین نتیجه به نظر می رسد این باشد که در برخورد با مصادیق مختلفه نبایستی سریعًا برچسب سوء استفاده از حق را به شخص بچسبانیم کما اینکه در ریشه این نظریه که همانا قاعده لاضرر می باشد بایستی این نکته ملحوظ نظر باشد که در هرجایی که با یک ضرر مواجه شدیم نباید فوراً دم از قاعده لاضرر بزنیم بدون این که از مطالب مختلفه در مورد این قاعده و مبانی مختلفه‌ای که دارد اطلاع کافی داشته باشیم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در این مقاله سعی گردید تا مفهوم سوء استفاده از حق به عنوان یک نظریه و تئوری ساماندهی شود تا بتوان از آن در حوزه های مختلف استفاده نمود. همانطور که می‌دانیم یک نظریه علمی بایستی دارای ویژگی‌هایی باشد تا بتوان آن را به عنوان یک نظریه مورد پذیرش قرار داد. هنگامی که به مفهوم سوء استفاده از حق نظر می‌کنیم متوجه می‌شویم که دارای تمامی این ویژگی ها می‌باشد. مهم ترین ویژگی آن این است که فراتر از یک اصل یا یک ماده قانونی است، به عبارت دیگر امروزه اینطور نیست که از این نظریه صرفًا در حوزه روابط بین مالک یک خانه و همسایه‌اش یا به بیان دیگر در حوزه حق مالکیت استفاده گردد بلکه در حال حاضر این نظریه در تمامی حوزه های حقوق از قبیل حقوق خانواده، آیین دادرسی مدنی، مسؤولیت های غیرقراردادی، مسؤولیت های قراردادی و... مطرح بوده و البته قابلیت استفاده در عمل را دارد که این مطلب دقیقًا ویژگی یک نظریه علمی است که می توان در آن مصادیق مختلف را وارد نمود و به نتیجه رسید و درواقع ویژگی و خاصیت تعمیم پذیری دارد. ویژگی مهم دیگر یک نظریه علمی که دقیقًا در ما نحن فیه نیز مبرهن است داشتن معیار است که در مباحث گذشته به طور کامل پیرامون معیارهای نظریه سوء استفاده از حق بحث گردید. همچنین همانطور که ملاحظه شد این مفهوم به عنوان یک نظریه علمی دارای ویژگی ایجابی و سلبی بودن است یعنی علاوه بر این که به طور کامل به عنوان یک نظریه مطرح می‌شود این امکان را می‌دهد که از سایر نهاد های مشابه تفکیک شده و به طور مجزا و دقیق بررسی شود.

ویژگی مهم دیگر این مفهوم تحت عنوان نظریه سوء استفاده از حق همانطور که مشخص است توانایی حل و پاسخگویی به مسائل می‌باشد و کاملًا در حوزه های مختلف جنبه کابردی دارد.

ویژگی دیگری که این مفهوم به عنوان یک نظریه به همراه خود دارد ایجاد انگیزه تحقیق در کسانی است که دغدغه علمی و پژوهشی دارند که امیدورایم این مهم حاصل شود و پژوهشگران بعدی بتوانند با استفاده از دیدگاه های مطرح شده در این مقاله، این نظریه را در حوزه های مختلف حقوقی (حقوق تجارت، آیین دادرسی مدنی و...)به طور خاص مورد بررسی قرار داده و به کار گیرند به نحوی که بتوان سره را از ناسره تشخیص و تمیز داد.

در پایان هدف از تدوین و تنظیم این مقاله این بود که ابعاد مختلف این مفهوم از لحاظ نظری مورد شناسایی قرار گیرد و به عنوان یک نظریه علمی در حوزه های مختلف و توسط اشخاص مرتبط با آن مورد استفاده کاربردی قرار گیرد.

پیشنهادات:

در وهله اول پیشنهاد می گردد این نظریه توسط قانون‌گذار محترم در هنگام وضع مقررات و قوانین مورد استفاده قرار گرفته و منافذ سوء استفاده از حق تا آن جا که ممکن است بسته شود. البته نکته مهمی که قانون‌گذار محترم بایستی ملحوظ نظر داشته باشد این است که باید معیارهای دقیقی از مفهوم سوءاستفاده از حق را ارائه دهد. نکته مهم‌تر این که در تعیین

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

این معیارها بایستی سعی گردد حتی‌الامکان از معیارهای کلی و قابل تفسیر اجتناب شده و موارد روشن و واضحی به عنوان معیار تعیین گردد تا از تفسیرهای شخصی و البته سلیقه ای جلوگیری شود.

همچنین نباید این نکته را فراموش کرد که رویه قضایی نیز با تفسیر های خوب و منصفانه خود می‌تواند امکان سوءاستفاده از حق را به حداقل‌ترین حالت خود برساند و چه بسا نقشی پررنگ تر از قانون‌گذار داشته باشد.

همچنین پیشنهاد می‌گردد باتوجه به گستردگی نظریه سوء استفاده و امکان طرح آن در حوزه های مختلف حقوقی پژوهش های جدیدی در آینده پیرامون این نظریه در حوزه های مختلف حقوق از جمله حوزه حقوق قراردادها، حوزه حقوق خانواده، حوزه آیین دادرسی مدنی و... صورت گیرد.

منابع

۱)بهرامی احمدی، حمید.(۱۳۹۵). سوء استفاده از حق. تهران: انتشارات اطلاعات

۲)موحد، محمدعلی.(۱۳۹۷). حق و سوء استفاده از آن. تهران: انتشارات کارنامه

۳)دهقانی فیروزآبادی، حسین.(۱۳۹۹). حیله در دادرسی مدنی. تهران: انتشارات فکرسازان

٤)توکلی، محمدمهدی.(۱۳۹۹). آموزش جامع حقوق مدنی. تهران: انتشارات مکتوب آخر

۵) راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن.(١٤١٢ ق). بیروت

٦)کاتوزیان، امیرناصر.(١٣٦٢). مسؤولیت قهری-ضمان قهری. تهران: دهخدا

۷)کاتوزیان، امیرناصر.(۱۳۸۵).فلسفه حقوق. تهران: نشر گنج دانش

۸)کاتوزیان، امیرناصر.(۱۳۵۸). «سوء استفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق».تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی

۹)حسینی دشتی، سید مصطفی.(۱۳۹۳). معارف و معاریف. تهران: نشر سپید موی اندیشه

۱۰) الماسی، نجادعلی.(۱۳۹۹). حقوق بین الملل خصوصی. تهران: نشر میزان

۱۱)مقصودی، رضا.(١٣٩٤) «سوء استفاده از حق در حقوق بین الملل خصوصی». تهران: فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی

۱۲)ره پیک، سیامک.(۱۳۸۳). «منع سوء استفاده از حق در نظریه های حقوقی و مفاهیم قرآنی».تهران: الهیات و معارف اسلامی

۱۳)هاشمی راد، محمد.(۱۳۹۵). «تقلب نسبت به قانون».تهران: کنگره علوم اسلامی- علوم انسانی

١٤)حاجی نوری، غلامرضا. (١٣٩٤). «بازگشت اعتدال به نظریه سوء استفاده از حق».تهران: نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

۱۵) نعیمی، طاهره سادات، سید فرج الله موسوی.(١٣٩٦). « انصاف و عدالت در سیستم قانون گذاری ایران و رویکردهای قضایی امام خمینی».تهران: پژوهش نامه متین

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۴۸، دوره هشتم، سال ششم، بهار ۱۴۰۲، صص ۱–۲۰

Organizing the theoretical-practical framework for the concept of "abuse of right" in Iran's legal system

Abstract

The problem of inappropriate use of rights or so-called abuse of rights in the past and in simple and simple societies, because the conflict between rights and social relations was less, was raised mostly in one issue, that is, in the relations between the owner and the neighbors, but today in every There is a possibility of abuse of the right in the field of commercial law, contract field, family field, civil procedure field, etc., while in today's legal system of Iran, on the one hand, this concept is limited to the general principle of the 40th constitution and only In the relations between the owner and the neighbor, it is in Article 132 of the Civil Code, and on the other hand, in the legal literature and judicial opinions, there are scattered and case-by-case interpretations of this concept. Therefore, it is necessary to look at this issue beyond a limited and case-specific concept and based on personal inferences from the above-mentioned legal principle and article. For this reason, this article seeks to organize a theoretical and practical framework for the concept of abuse of rights. The most important finding of this research is to present this concept as a scientific theory, if by providing a precise definition of the theory of abuse of rights, stating some of the goals and characteristics of this theory, proposing criteria for it, distinguishing it from similar institutions and Examining some examples has finally provided a theoretical-applied framework of the theory of abuse of rights so that legal researchers and judicial users can distinguish and separate the good from the bad by considering the criteria of this article in different legal fields and judicial cases. give The research method in this study is analytical and is based on gathering information through note-taking tools from books, articles, etc., and it analyzes research data with the logical-rational analysis method.

Keywords: abuse of right, harmless rule, violation of right, fraud against the law, improper use of right

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]